

چرا پاکستان از سر ما دست برنمیدارد؟

نویسنده: داوود شمس

بر علاوه نگرانی آن کشور در مورد مسأله خط دیورند، و عقب مانی از هند روی رقابت نفوذ در جنوب آسیا، دو جواب دیگر را نیز میتوان به این سوال ارایه کرد. از هم گسیختگی سیاسی افغانستان یکی از دلایل فرصت طلبی پاکستان در این کشور است. ملت ما به قول بارنت روبین، کارشناس در امور سیاسی افغانستان، ملتی "پاره پاره" باقی مانده است.¹ این وضع میتواند هم ریشه در نابسامانیهای دوران مقاومت مقابل تجاوز اتحاد شوروی داشته باشد، و هم نتیجه عملکرد دولت کنونی شمرده شود. دلیل دیگر را میتوان در ستراتیژی آمریکا که در تعیین شکل مناسباتش با پاکستان اتخاذ کرده است جستجو کرد. ایالات متحده با وجود اینکه نتوانسته است آنچه را از پاکستان در مبارزه با دهشت افگنی و افراط توقع میکند بدست آورد، سخاوتمندانه به کمک مالی و نظامی آن کشور ادامه میدهد. این امر نه تنها سبب آهستگی در سیر تلاش بین المللی برای حفظ امنیت منطقی شده است، بلکه به جرأت و توانایی عناصر دولتی و غیر دولتی پاکستانی در پشتیبانی از طالبان افزوده است. در نتیجه، با جا دادن طالبان و افراطیون و کمک به آنها، پاکستان حاصل آنچه را که در مناطق آزاد میکار، در افغانستان به درو مینشیند.

آیا این کشور واقعاً در تداوم خشونت در افغانستان نقش بازی میکند؟ رهبران افغان و امریکایی، هر دو به همین باورند که پاکستان در ایجاد تشنج در افغانستان با طالبان دست اندرکار است. به اساس ادعای کارشناسان سیاسی، و مقامات افغان و امریکایی، با راهگشایی به دهشتگران، پاکستان بر عکس توقع جامعه جهانی، نه تنها در روند مبارزه با دهشت مؤثر واقع نشده، بلکه سد راه این تلاش نیز قرار گرفته است. به طور مثال، حامد کرزی به صراحت ادعا کرده است که آن کشور مسئول توطیئه بمگذاری اخیر، که سفارت هند را هدف قرار داده بود، است. او در جریان گفت و شنودی با "ده تایمز آف اندیا" پاکستان را حتی طراح سوء قصد به جان خودش نیز دانسته است.² رییس جمهور امریکا هم از سرچشمه گیری فعالیتهای طالبان در پاکستان آگاه و نگران به نظر میرسد. او در جریان ملاقاتش با رهبران سیاسی هند گفته بود که سازمان آی.اس.آی طالبان را از اسرار جنگی امریکا آگاه میسازد.³ واضح است که در اذهان هر دو، بش و کرزی، شکی نیست که دهشت افگان و افراط گرایان در پاکستان مستقر و نسبتاً آزادانه فعال اند. کارشناسان امور سیاسی در منطقه نیز به همین باورند که پاکستان نه تنها در مبارزه با دهشت ناکام مانده، بلکه به بقای آن نیز مدد واقع شده است. در این میان میتوان از احمد رشید نام برد. او در کتابی به نام "فرود در نابسامانی: ایالات متحده و ناکامی در ملت سازی در افغانستان، پاکستان، و آسیای مرکزی"، که اخیراً⁴ منتشر شده است، به صراحت ادعا میکند که آی.اس.آی هم در دوران حکومت طالبان، و هم بعد از سرنگون شدن آن با آنها همکاری کرده و میباید.⁵

¹ Barnett. Rubin, "The Fragmentation of Afghanistan: State Formation and Collapse in the International System" Yale University Press, 2002.

² "Terror from Pakistan must end: Karzai" The Times of India, Aug 6, 2008. <http://timesofindia.indiatimes.com/Terror_from_Pakistan_must_end_Karzai/rssarticleshow/3330617.cms>

³ "President Bush Confronts Pakistan Over ISI's Support of Terrorism," *India Defense*, 31/7/2008. <<http://www.india-defence.com/reports-3931>>

⁴ 2008

⁵ Bonner, Raymond. "War in Progress" *New York Times*, August 10, 2008.

دلیل عمده ای که به پاکستان جرأت تخریبکاری در افغانستان را میدهد نابسامانی سیاسی میان خود افغانهاست. در دوران مبارزه علیه حکومت مارکسیست، بین رهبران احزاب جنبش مقاومت (جهادی) اتحاد و همکاری چندانی وجود نداشت. این امر را که احزاب، و به خصوص، احزاب هفتگانه به رقابت های ناسالم چه که حتی به دشمنی با هم میپرداختند نویسنده این مقاله شخصاً شاهد بوده است. بر علاوه ضعف همکاری میان احزاب، هماهنگی و انسجام در ساختار و کارکرد داخلی آنها نیز رشد زیادی نکرده بود. فساد اداری از قبیل رشوت، اختلاس، خویش خوری، و قوم پرستی نیز به پیشرفت سیاسی و عملیات نظامی هر یک از این احزاب صدمه زده بود. شاید این عوامل منجر به درازا کشیدن دوره جهاد، و به ضرر آنانی که در صف اول مقاومت مبارزه میکردند تمام شده باشد. گروه های سیاسی همان از هم گسیخته گی های را که ریشه در بی کفایتی رهبران شان دارد، گسیخته تر ساخته و بعد از بر افتادن حکومت نجیب الله با خود به افغانستان آوردند. عده ای هم هستند از سیاستمداران، و حتی فرهنگیان که به منظور کسب شهرت و استحکام موقف اجتماعی و سیاسی شان از این رقابتها سوء استفاده نموده، زمینه تزلزل و نفاق را برای بازی در نقش "قهرمان" درامه ای که اکثراً سناریو پرداز و کارگردان آن بیگانه گان اند ایجاد میکنند. همچنان، موجودیت طالبان که بیشتر اعضای آن را پشتونها تشکیل میدهند، از یک سو، و هم جنگ سالاران و ابسطه به اقوام غیر پشتون از سوی دیگر، نه تنها اتحاد ملی، بلکه هستی افغانها را منحصراً یک ملت به مخاطره انداخته است. هیچ یک از اقوام افغانستان این جنگ آوران را به نمایندگی از قوم یا نژاد خویش انتخاب نکرده اند. به میان آمدن آنها نتیجه تحولات سیاسی، و تغییراتیست که در ساختار اجتماعی ما، به اساس جبران دوران جنگ به وقوع پیوست. نظامیان افراط گرا گوناگونی قومی و زبانی ما را رنگ دشمنی دادند، و از سیاسیات هویت در ایجاد باور به ضرورت رهبریت شان در میان مردم استفاده کردند. حال، پاکستانی ها در استفاده از چنین فرصتی که شرایط مداخله داخلی ما برایشان ایجاد کرده است دریغ نمیورزند.

از جانبی نیز حکومت از سال 2001 تا به حال نتوانسته است راه های حل مؤثری برای رفع مشکلات میان گروه های مختلف نژادی و زبانی افغان پیشنهاد کند، تا هم تنش میان آنها کم و هم رضایت شان از دولت حاصل شده باشد. ناکامی حکومت در حل مسله سکونت در ولایت بامیان میان اقوام کوچی و پشتون و هزاره مثال بی جایی از اینگونه بی کفایتی ها نخواهد بود. درگیری نظامی توأم با خط مشی های نامتوازن دولت میان اقوام از جمله خطرهای جدی بی تلقی میشوند که به استحکام سیاسی و اجتماعی ما لطمه وارد میکنند. این مسایل کشور را در معرض مداخله از جانب حکومت ممالک همسایه قرار داده، خصوصاً امیدواری پاکستان را در بهره برداری از عملیاتش در افغانستان بیشتر میسازد. به نظر رسیدن امکان پذیری این هدف یکی از دلایلی است که همسایه ما نمیخواهد ما را تنها بگذارد.

عامل دیگر سیاست خارجی امریکاست در قبال پاکستان، که به جرأت آن کشور در بافتن دسیسه برای افغانستان میافزاید. با وجود سرازیر نمودن کمکهای مالی و نظامی به آن کشور، امریکا نتوانسته است، یا نخواست است پاکستان را مسؤل عملیاتش در منطقه بداند. در مذاکرات اولیه بین رهبران دو کشور، ایالات متحده تعهدات محکمی از پاکستان در مورد همکاری در مبارزه علیه

دهشت افغانان گرفته بود. اما، حکومت جمهوری خواهان از سرمایه گذاری و هنگفتی که به شکل امداد در پاکستان کرده، نتیجه ای را که توقع میکرد حاصل نتوانسته است. به اساس گزارش "شبکه امنیت ملی" آمریکا از ابتدای اعلان همکاری بین دو کشور به منظور مبارزه با دهشت، ایالات متحده حدوداً به ارزش یازده میلیارد دالر کمکهای اقتصادی و نظامی به پاکستان کرده است.⁶ با وجود اینکه امداد و آنچه تعهد، امروز در مناطق قبیلوی آزاد پاکستان⁷ کم از کم دو هزار جنگجوی طالب در کمپ های نظامی به تمرینات جنگی و آموزش افراط گرایی مشغول اند. موجودیت این کمپها، مد گروه بندی دوباره طالبان و گسترش کارکرد های نظامی آنها در افغانستان شده است. بدیهیست که پاکستان نه تنها نتوانسته در نابودی دهشت مؤثر واقع شود، بلکه در توسعه آن نیز سهم شمرده میشود. از این واقعیت هم مراکز تحقیقات سیاسی و هم ارگانهای جاسوسی آمریکا با خبراند.

ایالات متحده بارها و به وضاحت از اینکه آی.اس.آی⁸ به جنگنده گان طالب در مورد برنامه های نظامی آن معلومات میدهد شکایت کرده است، اما تا حدود گسترده ای به شدت لحن در لفظ بسنده مانده، و واکنش عملی آن در این باره شدید نبوده است.⁹ این در حالیست که رییس جمهور آمریکا، آقای بش، بعد از واقعه دهشتبار یازده سپتمبر در یکی از بیاناتش به دهشت افغانان اعلان جنگ داده، خطاب به جهانیان گفته بود، "اگر به دهشت افغان پناه میدهید، خود دهشت افغانید."¹⁰ به اساس تعریفی که بش از دهشت افغانان کرده است، آی.اس.آی را که یکی از توانمندترین ارگانهای حکومت پاکستان است، با ارایه ثبوت همکاری با طالبان، میتوان سازمانی ترورستی خواند. اما، چنین به نظر میرسد که این ارگان توانسته است از درج نامش در فهرست دهشت افغانان جلوگیری کند. کسب این موفقیت را آی.اس.آی باید مدیون خط مشی مداراگرانه دولت آمریکا، که بر اساس حوصله و سخاوتمندی و خوش باوری، و یا شاید هم ناچاری اتخاذ کرده است، باشد. به هر دلیلی که هست، شیوه رفتار آمریکا با پاکستان بر عدم رضایت آی.اس.آی در همکاری با افغانستان نقشی تعیین کننده دارد.

خلاصه، فعالیتهای اقتصادی هند به منظور نفوذ سیاسی در افغانستان یگانه عامل کارکردهای تخریب گرانه پاکستان در کشور ما نیست. از جنجال تاریخی "دیورند" نیز کمتر افغانیست که آگاه نباشد. تحلیل شرایط ناهنجار سیاسی در افغانستان و برداشت از واکنش آمریکا مقابل خط مشی داخلی و خارجی پاکستان روشنتر دو امکان دیگر نیز هست. 1- اوضاع نا هماهنگ سیاسی و ناتوانی دولت افغان در حکومت داری مؤثر. 2- حوصله مندی و یا ناچاری آمریکا مقابل پاکستان. ترکیبی از این دو عنصر به امکان ادامه مداخلات گستاخانه آن کشور در افغانستان میافزاید. عدم استحکام شرایط سیاسی در افغانستان، که هم پیامدی از حوادث تاریخ معاصر کشور، و هم نتیجه ناقابل دولت در سازماندهی سیاسی و انسجام قدرت است، آرزوی رخنه در کشور ما را در دل پاکستان زنده نگه داشته است. روشن است که سیاست خارجی آن کشور

⁶ "Bush Administration Shifts Aid to Pakistan With no Counterterrorism Strategy in Sight." National Security Network, July 24, 2008. <<http://www.nsnetwork.org/node/910>>

⁷ Federally Administrated Tribal Areas (FATA)

⁸ Inter-Service Agency

⁹ "Pakistani Defense Minister: U.S. Mistrusts Pakistani Intelligence," *Voice of America* July 31, 2008. <<http://www.voanews.com/english/2008-07-31-voa41.cfm>>

¹⁰ Marina, William. "If You Harbor a Terrorist, You Are a Terrorist," *The Independent Institute*, Sep 19, 2004. <http://www.independent.org/aboutus/person_detail.asp?id=951>

در قبال افغانستان نتوانسته رونمای ادعا ها و وعده هایش، مبنی بر نابود ساختن دهشتگران، به امریکا باشد. با وجود ناقابلی ها و ناکامیء پاکستان در برآورده ساختن توقعات امریکا، حکومت جورج بش در مقابل از مهربانی و گذشت کار گرفته است. حالت نابسامان کشور ما همراه با، نه تنها نرم رفتاری، بلکه پشتیبانیء امریکا از کشوری که به دهشت افگنان پناه داده است، برای رهبران سیاسیء پاکستان امید وارکننده است. به همین امیدواری آنها از سر ما دست بر نمیدارند.

از داؤد شمس، در ایالات متحده، به زبان انگلیسی، تازه منتشر شده است:

Democracy's Dilemma: The Challenges to State Legitimacy in Afghanistan

ISBN-13: 9781435711013

www.davidshams.com